

## دربارهٔ املاي زبان دری (بخش سوم)

### نویسندگان یا نویسندگان؟

#### مقدمه

در دو بخش پیشین، به برخی از دشواریهای موجود در سیستم نوشتاری زبان دری اشاره نموده راه‌حلهایی را به بحث گرفتیم که استفاده از آنها میتواند در ساده‌تر کردن و قانونمندتر کردن زبان نوشتار دری ممد واقع شود. به ادامهٔ نوشته‌های گذشته، این بار میخواهم در مورد محتوای یک یادداشت مختصر، که مدتی قبل در وب سایت مشعل ([www.mashal.org](http://www.mashal.org)) به نشر رسیده بود، نکاتی را به عرض برسانم. در یادداشت منتشرهٔ مشعل اشاره‌ی شده است به عدم موافقت میان نویسندگان زبان دری در رابطه به طرز نوشتن کلمات مختوم به‌های غیر ملفوظ بعد از اضافهٔ پسوند جمع "-ان" /-an/ یا پسوند نسبتی/اسمی "-ی" /-i/ به آنها. مثالهای زیر بیانگر این اختلاف میان نویسندگان زبان دری است:

نویسنده	+ -آن ←	نویسندگان	یا	نویسنده گان
هنرپیشه	+ -آن ←	هنرپیشگان	یا	هنرپیشه گان
خسته	+ -ی ←	خستگی	یا	خسته گی
زنده	+ -ی ←	زندگی	یا	زنده گی
برده گی	+ -ی ←	بردگی	یا	برده گی

طوری که میبینیم، کلمات مختوم به‌های غیر ملفوظ بعد از اضافهٔ پسوند جمع "-ان" و یا هم پسوند نسبتی/اسمی "-ی" به دو گونه نوشته میشوند. عده‌ی، بعد از اضافهٔ این پسوندها، های غیر ملفوظ در اخیر این کلمات را حذف میکنند (ستون اول) و عده‌ی هم آن را حذف نمیکنند (ستون دوم). به گمانم، روش املاي زبان دری منتشرهٔ اتحادیهٔ نویسندگان افغانستان ([www.afghan-languages.org](http://www.afghan-languages.org)) اولین رهنمودیست که حفظ های غیر ملفوظ را در موارد بالا توصیه میکند. اما، در پاورقی‌ی در همین رهنمود آمده است که توصیهٔ مذکور توسط اعضای کمیسیونی که برای ترتیب رهنمود متذکره مؤلف شده بود به اتفاق آراء مورد تأیید قرار نگرفت و مرحوم پوهاند داکتر جاوید طرفدار حذف های غیر ملفوظ در این موارد بوده اند.

واضح است که، مانند سایر ناهمگونیهای املايی، اختلاف در طرز نگارش کلمات داده شده در فوق نیز از بسا جهات ناخوش آیند است و این اختلافها نه در تدریس و فراگیری زبان ما را کمک میکند و نه هم در هماهنگ ساختن و قانونمندتر کردن زبان نوشتار. با درنظر داشت این امر، بهتر خواهد بود تا از میان دو صورت املايی صرف یکی از آنها را انتخاب و به کار ببریم، اما کدام یک؟

مناسب ترین پاسخ به این پرسش شاید آن باشد که همان صورتی که هم با موازین و اساسات زبان نوشتار سازگاری داشته باشد و هم خواندندش سهلتر باشد. پس برای آن که دریابیم کدام یک از دو شکل املائی با موازین زبان نوشتار در مطابقت دارد و خواندندش هم سهلتر است، باید جوانب مثبت و منفی دو شیوه نوشتار در فوق را مورد بررسی قرار بدهیم. به عبارۀ دیگر، باید در یابیم که صورت املائی "نویسندگان" و "هنرپیشگان" با موازین زبان نوشتار سازگاری بیشتر دارد و یا هم صورت املائی "نویسنده گان" و "هنرپیشه گان"؟

با در نظر داشت این ملحوظ، در بخش اول این نوشته، ما موقف و استدلال آن عده از کسانی را که حذف های غیر ملفوظ را در موارد فوق توصیه میکنند از نظرخواهیم گذرانند و در بخش دوم، موقف و استدلال مخالفین شان را. در پایان هم خلاصه یی از این نوشته را پیشکش خواهیم نمود.

## حذف های غیر ملفوظ

طوری که در فوق یادآور شدیم عده یی از نویسندگان زبان دری طرفدار حذف های غیر ملفوظ در کلماتی که زیر شماره یک در بالا داده شده اند - یا هم کلمات همانند آنها - میباشند. عین روش املائی میان نویسندگان فارسی در ایران نیز مروج بوده و است. به طور مثال، دستور خط فارسی، که اخیراً از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتشار یافته است، یکی از رهنمود هایبست که حذف های غیر ملفوظ در این موارد را توصیه میکند (www.persianacademy.ir).

در مورد این که چرا های غیرملفوظ در این موارد حذف شود دلایلی آورده شده است که ما در اینجا مختصراً به آنها میپردازیم.

سه چهار دهه قبل، عده یی از نویسندگان و دانشمندان به این عقیده بودند که هرگاه به کلمات مختوم به های غیر ملفوظ پسوند "-ان" /-an/ یا "-ی" /-i/ اضافه شود، های غیر ملفوظ به "گ" تبدیل شده و در نتیجه اول الذکر درنوشتار نشان داده نمیشود. اما مطالعات بعدی نشان داد که در همچو موارد های غیر ملفوظ به "گ" تبدیل نشده بلکه هنوز هم جزء تلفظ این کلمات میباشد. جهت وضاحت موضوع به مثالهای ذیل توجه کنید:

	آواره + گ + -ان ← آوارگان/آواره گان	آواره + -ان ←
awaræ + -an →	awaræ + g + -an →	awarægan
	خفته + گ + -ان ← خفتگان/خفته گان	خفته + -ان ←
xoftæ + -an →	xoftæ + g + -an →	xoftægan
	تشنه + گ + -ی ← تشنگی/تشنه گی	تشنه + -ی ←
tæshnæ + -i →	tæshnæ + g + -i →	tæshnægi

در کلمات فوق میبینیم که های غیر ملفوظ در اخیر کلمات /awaræ/ (آواره)، /xoftæ/ (خفته) و /tæshnæ/ (تشنه)، که در رسم‌الخط فونیتیکی با حرف /æ/ نشان داده شده است، هنوز هم جزء کلمه های اشتقاقی /awarægan/ (آواره گان)، /xoftægan/ (خفته گان) و /tæshnægi/ (تشنه گی) است و برخلاف نظریات قبلی، های غیر ملفوظ به "گ" ابدال نشده است. بناءً، دلیلی که برای ننوشتن های غیر ملفوظ در صورتهای اشتقاق شده داده میشود نادرست تثبیت گردید.

البته، در حال حاضر در مورد عدم ابدال های غیر ملفوظ به "گ" دیگر اختلافی میان نویسندگان و زبان‌شناسان، خواه افغانی باشند خواه ایرانی، وجود ندارد. اما به طرفداری از حذف های غیر ملفوظ در مثالهای داده شده در فوق دلایل دیگری هم ارائه شده است. به اساس مطالعاتی که در مورد ادوار مختلف زبان دری/فارسی صورت گرفته است، عده‌یی از زبان‌شناسان معتقد اند که کلماتی چون "برده"، "بنده"، "جامه" و غیره در فارسی دری میانه شکل "بردک"، "بندک" و "جامک" را داشته اند و به مرور زمان صامت انجامین شان، یعنی "ک"، را در تلفظ از دست داده و به شکل فعلی در آمده اند. این دانشمندان اضافه مینمایند که در صورتهای جمع و یا هم در اشکال اشتقاقی نسبتی/اسمی این کلمات، صوت "ک"، که بعداً به "گ" تبدیل شده است، هنوز هم در تلفظ باقی بوده حذف نمیشود. جهت وضاحت موضوع به مثالهای زیر توجه کنید:

۳- بندک	←	بندگ + آن	←	بندگان
جامک	←	جامگ + آن	←	جامگان
بردک	←	بردگ + ی	←	بردگی

به اساس مثالهای فوق، چون پسوند جمع "آن" و یاهم پسوند نسبتی/اسمی "ی" به کلمات "بندگ"، "جامگ" و "بردگ" افزود شده صورتهای "بندگان"، "جامگان" و "بندگان" اشتقاق شده اند، دلیلی وجود ندارد تا های غیر ملفوظ میان این کلمات و پسوند جمع یا پسوند نسبتی/اسمی اضافه شود.

فکر نکنم که کسی با این موقف که کلماتی چون "برده"، "بنده" و "جامه" روزگاری با صامت "ک" میانجامیدند مخالفتی داشته باشد. اما سؤال پیدا میشود که پس چرا تمام کلماتی که در دری به های غیر ملفوظ میانجامند، در صورت جمع شان "گ" ظاهر میشود؟ در زبان دری، علاوه بر کلماتی چون "جامک"، "بندک" و غیره، حتماً کلمات دیگری هم وجود داشته و دارند که در ادوار مختلف تکامل زبان دری به های غیر ملفوظ میانجامیده اند. پس چرا در صورت جمع این کلمات صوت گاف ظاهر میشود؟ علاوه، نه تنها در صورت جمع تمام کلمات اصیل دری صوت گاف اضافه میشود، بلکه در صورت جمع آن عده از کلمات مختوم به های غیر ملفوظی که از عربی وارد زبان دری و فارسی شده اند نیز صوت گاف وجود دارد، مانند سیاره گان، کم تجربه گی، بی قاعده گی و غیره (ایرج کابلی، [www.linguism.org](http://www.linguism.org)). موجودیت صوت "گ" در مثالهای عربی ثابت میکند که در دری معاصر، "گ" در مثالهای زیر بحث وظیفه یک صامت میانجی را دارد که جهت ایجاد سهولت در تلفظ میان کلمه پی که به مصوت میانجامد و پسوندی که با مصوت میآغازد جا میگیرد. چون صوت "گ" با پسوند جمع و یا هم یای نسبتی/اسمی یکجا به کلمه اضافه میشود دلیلی باقی نمیماند تا های غیر ملفوظ در اشکال اشتقاقی حذف شود.

## عدم حذف های غیر ملفوظ

روش املای زبان دری نشرکرده اتحادیه نویسندگان افغانستان شاید اولین رهنمودی باشد که توصیه مینماید های غیر ملفوظ در صورت جمع کلمه های "نویسنده"، "برده"، "زنده" و غیره حذف نشود. با وجودی که رهنمود مذکور توضیحی در این مورد نداده است، در این جا میتوان نکات ذیل را در دفاع از توصیه رهنمود یاد آوار شد.

۱- یکی از صفات زبان نوشتار خوب آنست که تمام اصوات یک کلمه در هنگام نوشتن توسط حرفی نشان داده شود. در کلماتی چون "نویسنده"، "ستاره"، "بسته" و غیره حرف "ه" برای نشان دادن صوت /æ/ در اخیر این کلمات به کار رفته است. چون عین صوت در اشکال جمع این کلمات هم موجود است، پس "ه" نباید از نوشتار باز ماند. هرگاه ما "ه" را در نوشتار حذف نماییم، این بدان معناست که برای صوت /æ/ دیگر معادلی در نوشتار وجود نخواهد داشت و در نتیجه یکی از اصلهایی که بر اساس آن زبان نوشتار خوب را از ناقص متمایز میکنیم نقض خواهد شد.

۲- یکی از قواعد زبان نوشتار دری آنست که عمدتاً مصوتهای کوتاه اگر در وسط کلمات بیایند، در نوشتار نشان داده نمیشوند. اما، اگر عین مصوتهای کوتاه در شروع یا اخیر کلمات قرار بگیرند، در نوشتار توسط حرفی نشان داده میشوند. مثلاً، در کلمه "البته" /æltæbtæ/ مصوت /æ/ هم در آغاز هم در میان و هم در انجام این کلمه آمده است. در آغاز کلمه، این مصوت با "الف" نشان داده شده است و در انجام کلمه با "هی" (های غیر ملفوظ)، اما عین مصوت، بر اساس قواعد زبان نوشتار، در وسط همین کلمه از نوشتن باز مانده است. همچنان، به اساس قواعد زبان نوشتار دری، هرگاه به کلمات مختوم به های غیر ملفوظ پسوندهایی از قبیل پسوند "ها"، "ی"، "زار"، "جات" و غیره اضافه شوند، های غیر ملفوظ حذف نمیشود با وجودی که همین های غیر ملفوظ حال در وسط کلمه قرار دارد. جهت وضاحت موضوع، به مثالهای زیر توجه کنید:

نویسنده	←	+ ی-ها	←	نویسنده یی/نویسنده ها
خانه	←	+ ی-ها	←	خانه یی/خانه ها
مرده	←	+ ی-ها	←	مرده یی/مرده ها
شنونده	←	+ ی-ها	←	شنونده یی/شنونده ها
بنده	←	+ ی-ها	←	بنده یی/بنده ها
سبزه	←	+ زار	←	سبزه زار
میوه	←	+ جات	←	میوه جات

صورت‌های اشتقاق شده در فوق نشان میدهند که های غیر ملفوظ با وجودی که در وسط کلمات قرار دارد، در نوشتار حذف نشده است. بناءً، دلیلی وجود ندارد تا همین های غیر ملفوظ را در موارد مشابه دیگری از قبیل اضافه نمودن پسوند جمع "آن" و یا هم یای نسبتی/اسمی "ی" به این کلمات حذف کرد.

۳- در فوق اشاره نمودیم که عده یی از زبان‌شناسان مدعی اند که در کلمه هایی چون "نویسنده گان"، "بنده گان" و غیره، صوت "گ" جزء این کلمات بوده و در جریان اشتقاق وارد صورت جمع آنها نمیشود. اما، عده یی هم استدلال کرده اند که "گ" در همچو موارد وظیفه یک صامت میانجی را دارد که برای شکستن تسلسل دو مصوت به این کلمات

افزود می‌گردد. در زبان دری، موارد مشابه دیگری هم وجود دارد که میانجی بودن صامت "گ" را در این مثالها ثابت میکند، مانند:

۵- الف -	پسر +	-اک	←	پسرک
	آفتاب +	-اک	←	آفتابک
	طفل +	-آنه	←	طفلانه
ب-	بچه +	-اک	←	بچه گک
	ستاره +	-اک	←	ستاره گک
	پرستو +	-اک	←	پرستوگک
	تازی +	-اک	←	تازی گک
	بچه +	-آنه	←	بچه گانه

مثالهای فوق به دودسته تقسیم میشوند. در دسته الف کلماتی شامل اند که با صامت میانجامند. طوری که مبینیم، بعد از اضافه نمودن پسوند های "-اک" و پسوند "-آنه" به این کلمات کدام پروسه فونولوژیکی دیگری رخ نمیدهد. اما، در دسته دوم (ب) کلماتی شامل اند که به مصوتهای مختلف همچون /u/، /æ/، و /i/ پایان مییابند. صرف نظر از این که مصوت انجامین از چی نوعیست، در تمام موارد "گ" به حیث صامت میانجی در این کلمات افزوده شده است. افزودن "گ" به حیث صامت میانجی در این موارد ثبوتیست برای این ادعا که در زبان دری یک قاعده عام موجود است و آن این که در بسا موارد مشخص هرگاه به کلمه های مختوم به مصوت پسوند هایی که با مصوت میآغازند اضافه شود، صامت "گ" برای شکستن تسلسل دو مصوت به حیث صامت میانجی افزود می‌گردد. بناءً، در مورد کلمه های جمع "نویسنده گان"، "برده گان" و غیره نیز چنین میتوان نتیجه گیری نمود که "گ" یک صامت میانجی بوده و بازمانده صوتی که در دری/فارسی میانه در کلمه های "بردک"، "زندک" و غیره موجود بوده نمیشد.

## نتیجه گیری

حذف نکردن "های غیر ملفوظ" در کلماتی چون نویسنده گان، ستاره گان، برده گی و غیره از چند جهت برحذف های غیر ملفوظ در همچو موارد برتری دارد. نخست این که، حذف نکردن های غیر ملفوظ در کلمات مورد بحث ما با موارد همسان دیگری که حذف های غیر ملفوظ در آن جاها مجاز نیست هماهنگی دارد. دوم این که، بهترین زبان نوشتار آنست که در آن هر صوت توسط حرفی نشان داده شود. حذف های غیر ملفوظ در کلمات مورد بحث ما با این اصل در تناقض است. بلاخره، حذف های غیر ملفوظ در مثالهای داده شده در فراگیری خواندن و نوشتن زبان دری دشواری ایجاد میکند چون یکی از اصواتی که در تلفظ موجود است در نوشتار نشان داده نمیشود.